

به نام خداوند جان و خرد

# چگونه از دارایی‌های خود محافظت کنیم؟

شاهکاری بی‌نظیر از رابرت کیوساکی و گرت ساتن

مترجم: مینا عسگری



اندشارات طاهریان

سرشناسه: ساتون، گرت  
 Sutton, Garrett  
 عنوان و نام پدیدآور: چگونه از دارایی‌های خود محافظت کنیم؟/شاهکارهای بی‌نظیر از رابرت کیوساکی و گرت ساتن : مترجم مینا عسگری..  
 مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۶ .  
 مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص.  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۵-۸۹-۹  
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
 یادداشت: عنوان اصلی Start your own corporation : why the rich own their own companies and everyone else works for them  
 موضوع: کسب و کار خرد -- مدیریت  
 موضوع: Small business -- Management  
 موضوع: کسب و کار خرد-- قوانین و مقررات  
 موضوع: Small business-- Law and legislation  
 موضوع: خوداشتغال‌ها و خود اشتغالی  
 موضوع: Self-employed  
 شناسه افزوده: کیوساکی، رابرت تی. ۱۹۴۷ - م.  
 شناسه افزوده: Kiyosaki, Robert T .  
 شناسه افزوده: عسگری، مینا، ۱۳۶۵ - مترجم  
 رده بندی کنگره: ۱۲۹۶/۶۲۷/س۲ چ HD  
 رده بندی دیویی: ۶۵۸/۰۲۲  
 شما، ه کا، شناسه مله : ۴۶۸۶۲۱۱



## «چگونه از دارایی‌های خود محافظت کنیم»

- نویسنده: رابرت کیوساکی و گرت ساتن ● مترجم: مینا عسگری
- ناشر: انتشارات طاهریان ● نوبت چاپ: اول ● سال چاپ: ۱۳۹۶ ● تیراژ: ۳۰۰ جلد
- طرح جلد: آرزو خسروپور ● قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
- چاپ متن: چاپ دالاهو ● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۵-۸۹-۹

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱  
 تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳-۶۶۹۷۰۷۶۷ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ [www.Taherianpress.com](http://www.Taherianpress.com)  
 با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۶۶۴۹۲۷۳۳-۱۰۰۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

## فهرست:

۱۵	..... فصل ۱: فهرست نهاد شما
۳۱	..... فصل ۲: نهادهای خوب
۷۳	..... فصل ۳: شریک یا LLC
۹۷	..... فصل ۴: استفاده از نهادهای نوادا و وایومینگ برای دریافت حداکثر مزیت
۱۱۹	..... فصل ۵: چگونه یک ضبط اموال به نفع شما کار می کند؟
۱۲۹	..... فصل ۶: عبور از خط ایالتی
۱۵۱	..... فصل ۷: شرکتهای حرفه ای
۱۵۹	..... فصل ۸: گامهای سازمانی برای تشکیل یک شرکت
۱۶۷	..... فصل ۹: اهمیت تشریفات شرکت
۱۸۹	..... فصل ۱۰: کسر مالیات کسب و کار
۲۰۷	..... فصل ۱۱: ساخت اعتبارات شرکتی
۲۱۷	..... فصل ۱۲: بیمه
۲۲۹	..... فصل ۱۳: مشارکت در سرمایه گذاری
۲۳۷	..... فصل ۱۴: جمع آوری پول
۲۷۱	..... فصل ۱۵: اعتبار رأی گیری

- فصل ۱۶: مدیر خود را بشناسید..... ۲۸۳
- فصل ۱۷: نحوه استفاده از یک توافقنامه خرید-فروش..... ۲۹۵
- فصل ۱۸: از خود و کسب و کارتان در برابر کلاهبرداران محافظت کنید..... ۳۰۵
- فصل ۱۹: در نهایت چه اتفاقی می افتد؟..... ۳۲۳
- فصل ۲۰: دام‌های گوناگون..... ۳۳۳
- فصل ۲۱: هفت گام در دستیابی به مسئولیت محدود..... ۳۳۷

## چرا ثروتمندان صاحب کسب و کار خود هستند و دیگران برای آنها کار می‌کنند؟

«گرت ساتن»<sup>۱</sup>

کتاب چگونه از دارایی‌های خود محافظت کنیم اسراری را فاش می‌کند که ثروتمندان برای محدود کردن مسئولیت خود، محافظت از سرمایه‌هایشان و به حداقل رساندن مالیات‌ها از آن بهره برده‌اند. کتاب حاضر یکی از مجموعه رهنمودهای پدر پولدار می‌باشد و یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌ها در زمینه مزایای داشتن کسب و کار است و همچنین برای کمک بهتر به کارآفرینان و سرمایه‌گذاران در راستای استراتژی‌های حفاظت از سرمایه به چاپ رسیده است. کتاب «کسب و کار خود را اداره کنید» کتاب حاضر را همراهی می‌کند و به چاپ رسیده است تا به تمام سئوالاتی که بیشتر کارآفرینان در ذهن دارند پاسخ دهد:

«من کسب و کار خود را برپا کرده‌ام، اکنون چه کنم؟»

کتاب چگونه از دارایی‌های خود محافظت کنیم؟ حاوی توصیه‌هایی بر مبنای انتخاب صحیح ماهیت شرکت، کاهش دادن مالیات و ساخت اعتبار کسب و کار است. همچنین این کتاب درباره چگونگی افزایش نقدینگی برای شرکت، چگونگی مراقبت از اموال در برابر

---

<sup>1</sup>-Garrett Sutton

کلاهبرداران و جدا کردن پول از کسب و کار جدید، بحث می‌کند. ضمناً موضوع کلیدی پنهان نگه داشتن شرکت مطرح شده است که سود بزرگی برای خوانندگان به حساب می‌آید.

کتاب حاضر با استفاده از داستان‌ها و مثال‌های گویا به خوبی نگارش شده و درک رهنمون‌های چگونگی و چرایی حفاظت از کسب و کار را آسان کرده است.

پدر پولدار رابرت کیوساکی گفته است: «اگر برای ثروتمند شدن و مرفه بودن جدی هستید، یادگیری کسب و کارها و سایر ساختارهای قانونی بخش مهمی از آموزش مالی شماست.»

این کتاب برای تأمین اطلاعات شایسته و قابل اعتماد با توجه به موضوع پوشش داده شده، طراحی شده است. به هر حال کتاب مذکور با درک این موضوع که نویسنده و ناشر متعهد به تفسیر مشاوره‌های حقوقی، مالی و یا حرفه نیستند، به فروش می‌رسد. اغلب قوانین و روش‌های انجام کار از ایالتی به ایالت دیگر و از کشوری به کشور دیگر متغیر هستند و در صورت نیاز به همکاری متخصصان باید به آنها رجوع شود.

مسئولیت هر گونه ضرر یا بدهی که به دلیل استفاده از محتوی این کتاب ایجاد شود، متوجه نویسنده و ناشر نمی‌باشد.

## پیشگفتاری از رابرت کیوساکی

وقتی ۱۰ سالم بود و کلاس پنجم بودم، شروع به خواندن کتاب‌هایی درباره کاشفان بزرگ مثل کریستوف کلمب، ماگلان، کورتز، داگاما و کوک کردم. رؤیای روزی را داشتم که سوار بر قایق چوبی به دور دنیا سفر کنم و به جستجوی گنج در سرزمین‌های ناشناخته باشم. هر کتابی راجع به زندگی و ماجراجویی آنها می‌خواندم. وقتی کلاس پنجم بودم در امتحانات مربوط به کاشفان بزرگ، بهترین نمره‌ها را کسب می‌کردم. پدر پولدار می‌گفت: «راجع به کاشفان موفق کتاب بخوانید، راجع به کاشفانی که شکست خوردند هم کتاب بخوانید.» پدر پولدار به من کمک می‌کرد برای امتحانات نهایی سال پنجم آماده شوم.

از او پرسیدم: «کسی که شکست خورده است؟»

پدر پولدار پاسخ داد: «بله، کسی که شکست خورده است. در مدرسه داستان زندگی کاشفان موفق و مشهور را به شما درس می‌دهند، کاشفان بسیاری وجود دارند که موفق و مشهور نیستند و ما هرگز راجع به آنها چیزی نشنیده‌ایم و نخواهیم شنید.»

پرسیدم: «چرا مطالعه زندگی کاشفان ناموفق مهم است؟»

او پاسخ داد: «زیرا باید بدانی چگونه صاحبان و سرمایه‌گذاران این سفرهای دریایی که شکست خورده‌اند، از خود در برابر پیامدهای این شکست‌ها محافظت می‌کردند.»

- «پیامد؟ چه نوع پیامدی؟»

- «پیامدهایی مثل از دست رفتن زندگی. صاحبان و سرمایه‌گذاران می‌خواستند از خود و ثروتشان در برابر خانواده‌های کاشفان و خدمه کشتی که در حادثه زندگی خود را از دست داده بودند، محافظت کنند.»

- «منظور شما این است که فردی خود را به مخاطره می‌اندازد و گاهی زندگی‌اش را از دست می‌دهد و آنچه صاحبان و سرمایه‌گذاران می‌خواهند حفاظت از پولشان است؟ این پیامدی است که شما می‌گویید؟»

پدر پولدار سرش را تکان داد. سپس شروع کرد به گفتن داستان شرکت هلندی هند شرقی و شرکت بریتانیایی هند شرقی<sup>۱</sup> که دو شرکت قدرتمند و مشهور حامی برخی کاشفان بودند.

حتی برخی از این شرکت‌ها برای کنترل دسترسی به ثروتشان در کشورهای خارجی دارای نیروی دریایی و ارتش مخصوص به خود بودند. او برای من تعریف کرد که چگونه این شرکت‌ها به روشهای متعددی کنترل کل یک کشور مثل نیوزلند، هاوایی، استرالیا، مالزی، اندونزی، آفریقای جنوبی و سایر بخش‌های جهان را به عهده می‌گرفتند. روزی یکی از آن کشورها تبدیل شد به ایالات متحده آمریکا. پدر پولدار به من گفت پرچم آمریکا در اصل

<sup>۱</sup>-Dutch East India Company & British East India Company



پرچم شرکت بریتانیایی هند شرقی بود که بنابر گزارشات توسط بتسی راس<sup>۱</sup> تغییر یافته است. در حالی که ممکن بود انگلستان کنترل مستعمرات خود را از دست بدهد، شرکت بریتانیایی هند شرقی به سادگی نام خود را عوض کرد - نام ساده d.b.a را برگزید - و به انجام معاملات ادامه داد.

هر چه پدر پولدار بیشتر راجع به شرکت‌هایی که حامی کاشفان بزرگ بودند و تاریخ دنیا را شکل دادند، برای من صحبت می‌کرد، علاقه من به تبدیل شدن به یک تاجر جهانی و انجام تجارت از طریق یک شرکت بزرگ، بیشتر می‌شد.

وقتی شانزده ساله بودم، برای انتخاب کنگره‌ای در آکادمی تجارت دریایی ایالات متحده ثبت‌نام کردم. این آکادمی یک مدرسه نظامی فدرال بود که مردان جوان را برای کشتی‌رانی به منظور تجارت دریایی آموزش می‌داد.

این مدرسه که نام دیگر آن کینگز پوینت<sup>۲</sup> بود، به آموزش جوانان برای جانشینی کاشفان دریانورد بزرگ ادامه می‌داد. هر سال تنها ۲ دانش‌آموز از هاوایی وارد این مدرسه فدرال کمتر شناخته شده می‌شدند، بنابراین من بعد از گذراندن امتحانات و مصاحبه‌های سخت و قبول شدن در آکادمی، احساس خوشبختی می‌کردم. در سن ۱۸ سالگی شروع به کشتی‌رانی به عنوان یک کارآموز کردم

<sup>۱</sup>-Betsy Ross

<sup>۲</sup>-Kings Point

که کالاهایی را در مسیرهای تجاری تأسیس شده توسط شرکت‌های فردیناند مالگان<sup>۱</sup> و کاپیتان جیمز کوک<sup>۲</sup> حمل می‌کرد. به سرعت فهمیدم اگر چه کاشفان قدیمی از دنیا رفته‌اند، اما برخی از شرکت‌هایی که پدر پولدار راجع به آنها با من صحبت کرده بود، هنوز وجود دارند و دولت ایالات متحده منابع آموزشی رهبران این شرکت‌ها را تأمین می‌کند. فهمیدم چرا پدر پولدار سالها پیش به من می‌گفت: «تنها راجع به کاشفان و کشتی‌هایشان مطالعه نکن، راجع به قدرت شرکت‌های حامی این کاشفان و کشتی‌های آنها هم مطالعه کن.»

### بویینگ ۷۴۷ جایگزین کشتی‌های باری قدیمی

من امروز به جای کشتی‌های باری با بویینگ ۷۴۷ سفر می‌کنم. اگر چه روش حمل و نقل من تغییر کرده است، به توصیه پدر پولدار توجه کرده‌ام و درس‌هایم را به خوبی فرا گرفتم. من امروز به عنوان نماینده چندین شرکت سفر می‌کنم - با این تفاوت که صاحب آنها هستم نه اینکه کارمند ساده‌ای برای آنها باشم. همانطور که در کتاب پدر پولدار، پدر بی‌پول گفتم، پدر بی‌پول فکر می‌کرد کارمند خوب بودن و بالا رفتن از نردبان شرکت خوب است، در حالیکه پدر پولدار می‌گفت: «از نردبان شرکت دیگران بالا نرو، چرا صاحب

<sup>۱</sup>-Ferdinand Mallegan

<sup>۲</sup>-Captain James Cook

نردبان شرکت خود نباشی؟» او همچنین می‌گفت: «مشکل بالا رفتن از نردبان شرکت دیگران اینست که هنگامی که به بالا نگاه می‌کنی، فرد چاق بزرگی را بالای سرت می‌بینی.»

او در جمله جدی‌تری می‌گفت: «با وجود دلایل متعدد، دو دلیل اصلی حفاظت از سرمایه، حفاظت در برابر دادخواهی‌ها و مالیات‌های سنگین است. نکته اینست که اگر در مسئله ثروتمند شدن و نگهداری سرمایه خود جدی هستی، یادگیری کسب و کارها و سایر ساختارهای قانونی بخش مهمی از آموزش مالی در حال انجام توست.»

### معرفی گرت ساتن

خوشحال هستم گرت ساتن را به شما معرفی کنم. اغلب دانش‌آموزانم از من سئوالاتی راجع به کسب و کارها و ساختارهای قانونی می‌پرسند. پاسخ استاندارد من اینست: «من به دانشگاه حقوق نرفته‌ام و وکیل نیستم، بنابراین راجع به این موضوع مشاوره‌ای نمی‌دهم. پیشنهاد می‌کنم کاری که من کردم را انجام دهید: یک وکیل خوب پیدا کنید و او را به عنوان مشاور خود در این امر مهم برگزینید.» خوشحالم مشاورم در این موضوعات را به شما معرفی کنم، گرت ساتن. از کار کردن با او خرسندم و او برای من بزرگتر از یک مشاور است، او استاد من می‌باشد. همانطور که سالها پیش پدر پولدار به من می‌گفت: «اگر برای

ثروتمند شدن و نگهداری سرمایه خود جدی هستی، یادگیری کسب و کارها و سایر ساختارهای قانونی بخش مهمی در آموزش مالی در حال انجام توست.»

## مقدمه

تبریک می‌گوییم. شما در شرف انجام یک سفر قدرتمند و روشنگرکننده هستید. با خواندن این کتاب به سرعت و با سادگی اسرار و استراتژی‌های حقوقی که ثروتمندان در انجام تجارت نگهداری املاک و محافظت از سرمایه‌های خود به کار گرفته‌اند را خواهید آموخت. شما در مدت کوتاهی به روشنی درمی‌یابید که چگونه نهادهای معین - شرکت‌ها، شرکت‌های مسئولیت محدود و مشارکت‌های محدود - نه تنها می‌توانند هزاران هزار دلار پول شما را از مالیات حفظ کنند، بلکه می‌توانند خانه و سرمایه‌های خانوادگی شما را از حمله طلبکاران در امان نگه دارند. و به این دلیل که املاک جزء مهم استراتژی ثروت شماست، ما اطلاعاتی بر مبنای استفاده از نهادهای خوب برای محافظت از املاک شما در برابر حملات در این کتاب جمع‌آوری کرده‌ایم.

اینها درس‌هایی است که پدر پولدار رابرت کیوساکی به او آموزش داد. داشتن هیچ و کنترل همه چیز. از تکنیک ثروتمندان استفاده کنید تا مقاومت مالی خود را بهبود بخشید و از خانواده خود محافظت نمایید، و بالاتر از همه به جای سخت‌تر کار کردن باهوش‌تر کار کنید.

در بحث‌هایی که با خوانندگان داشته‌ایم، علاقه تعداد آنها دانستن اینست که پس از تشکیل شرکت خود چه کار کنند. در خاتمه، کتاب همراهی با عنوان «کسب و کار خود را اداره کنید» در دسترس خواهد بود. همین‌طور زمانی که کتاب را به انتها می‌رسانید، درک قانونی از

راه‌اندازی یک کارآفرینی و دانش لازم برای پیاده‌سازی سریع استراتژی حقوقی خود را خواهید داشت.

# فصل ۱

## فهرست نهاد شما



به دنیای حفاظت از سرمایه و تشکیل نهاد<sup>۱</sup> خوش آمدید. به محض آنکه به دانش استراتژی‌ها و مزایا (در این کتاب) دست یابید، از وجود شش انتخاب در فهرست اصلی خود قدردانی خواهید کرد:

- شرکت C
- شرکت S
- شرکت مسئولیت محدود (LLC)
- مشارکت محدود (LP)
- مشارکت عمومی
- مالکیت منحصر به فرد

---

<sup>1</sup>. Entity

همانطور که در طی ۵ سال گذشته سیستم‌های تجارتي و رسوم توسعه یافته‌اند، ساختارهای متعددی برای اداره کردن یک تجارت به تکامل رسیده است. هر ساختار یا نهاد منافع و اشکالاتی دارد که آنها را کشف خواهیم کرد.

اول از همه: معنای کلمه «نهاد» چیست؟ این کلمه مربوط به سازمانی است (سازمان تجاری یا واحد دولتی) که جدای از اعضایش دارای هویت قانونی می‌باشد. این کلمه از ریشه کلمه لاتین «ens» می‌آید که به معنای یک وجود یا چیز واقعی است.

بنابراین یک نهاد، چیزی واقعی است که از صاحبان خود جدا و قابل تشخیص می‌باشد. (در واقع ۲ انتخاب از ۶ انتخاب واقعی نیستند، که همانطور که خواهید آموخت خوب نمی‌باشند).

به عنوان چارچوبی از مرجع برای انتخاب نهاد، روشن ساختن استراتژی خود برای برنامه‌ریزی اهمیت ویژه‌ای برای شما دارد. هدف از ارائه این فصل درک روشن و انتخاب بهترین نهاد برای اهداف خاص و منحصر به فرد شماست.

در پایان فهرست زیر باید در نظر گرفته شود:

- ۱- حفاظت از سرمایه‌های خانوادگی و سرمایه‌گذاری‌ها
- ۲- کنترل مدیریت
- ۳- اجتناب از وقوع اختلافات خانوادگی
- ۴- انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری
- ۵- جانشینی فرزندان و سایر اعضای خانواده برای مدیریت
- ۶- ماهیت تجارتي که باید به آن عمل شود.



۷- ماهیت سرمایه‌ای که باید حفظ شود.

۸- تعداد صاحبان

۹- برنامه‌ریزی برای املاک و دادن استعداد به سرمایه‌ها

۱۰- چه کسی به طور قانونی تعهد انجام کسب و کار را دارد؟

۱۱- تأثیر فوت یا خروج یکی از صاحبان

۱۲- نیاز به راه‌اندازی کمک‌های مالی و افزایش سرمایه‌ها

۱۳- مالیات‌بندی

۱۴- حفظ حریم خصوصی مالکیت

۱۵- تثبیت سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها

همانطور که انتخاب‌های شما را مرور می‌کنیم، این موضوع و موضوعات دیگر آشکار خواهند شد. و لطفاً به یاد داشته باشید به تنهایی تصمیم‌گیری نخواهید کرد. پیشنهاد می‌شود این موضوع را با وکیل، حسابدار، یا سایر مشاوران حرفه‌ای خود مطرح کنید. مطالبی که در این بحث‌ها مطرح خواهد شد بینش عالی از اینکه کدام نهاد برای شما مناسب است، به وجود می‌آورد.

شما با خواندن این کتاب می‌توانید بهتر با مشاوران حرفه‌ای خود کار کنید.

نیازی نیست آنها ساعت‌ها وقت صرف آموزش موضوع مالیات و محدودیت‌های بدهی به شما کنند. شما با خواندن این کتاب به این دانش دست خواهید یافت. هنگامی که با مشاوران خود ملاقات می‌کنید نیازی نیست به صفحه اول این دانش گام بردارید. در عوض در پایه دوم

خواهید بود و آماده امتیاز گرفتن می‌باشید. (ترسی وجود ندارد. اولین قیاس ورزشی ما آخرین قیاس است).

مهم است بدانید در انتخاب نهاد، یک اندازه واحد مناسب همه نیست. اگر وکیل یا حسابدار شما تنها یک نهاد را پیشنهاد می‌دهد، به عنوان مثال مشارکت عمومی، برای هر ریسک راه‌اندازی کسب و کار نقطه‌نظر او را دارید، و از او خواهید پرسید چرا باور دارد یک نهاد برای تمام موقعیت‌ها مناسب است. یا ممکن است به دنبال مشاور حرفه‌ای دیگری باشید.

ما خواهیم گفت کدام نهاد برای کسب و کارهای متفاوت و روشهای نگهداری از سرمایه مناسب است. اما پیش از آن باید اشاره کنیم که کدام نهاد مناسب هر موقعیت نیست. به همان اندازه که دانستن نهاد مناسب برای اداره کسب و کار، حفاظت از سرمایه‌ها و محدودیت‌های بدهی اهمیت دارد، دانستن اینکه کدام نهاد مناسب نیست هم مهم می‌باشد.

• مالکیت منحصر به فرد

• مشارکت عمومی

من در تمرین‌های حقوقی، کسب و کارهای متنوعی را، از اندازه‌های کوچک و پایه‌ای گرفته تا اندازه‌های بزرگ و پیچیده، مطرح می‌کنم. همواره دوست دارم به کارآفرینان و صاحبان کسب و کار کمک کنم، درآمد خود را بالا برند، خانواده و کارمندانشان را تأمین نمایند و آینده را امن و با ثبات قرار دهند. اگر یک مشتری اصرار داشته باشد از نهاد بدی استفاده کند، نمی‌توانم به او کمک کنم. مالکیت منحصر به فرد و

مشارکت عمومی از سرمایه محافظت نمی‌کنند. معنای کلمه لاتین “ens” را به یاد می‌آورید؟ به معنای یک چیز واقعی است. این نهادهای بد، «موارد» حقوقی جدایی نیستند. شما آنها را با موقعیت ملکی خود ثبت نکرده‌اید. در عوض آنها تنها شما هستید که کسب و کار خود را بدون هر گونه حفاظتی انجام می‌دهید. تنها یک دادخواهی در برابر کسب و کار، خانه، پس‌انداز و سرمایه‌های شخصی می‌تواند تمام آنها را از بین ببرد. اولین موضوع ما روشنگری است.

### مورد شماره ۱: جانی

جانی لوله‌کش بود. اولین ۵ سال کاریش را گذرانده بود و موفقیت‌هایش آغاز شده بود. مشتریانش از کار او راضی بودند و نام او ورد زبان همه شده بود. در حالیکه جانی لوله‌کش خوبی بود، اما از برخورد با مسائل حقوقی احساس ترس داشت. به نظر او وکلا و حسابداران باهوش بودند و کاری که می‌کردند سخت بود. جان وقتی پسر جوانی بود، وکیلی به طور ناعادلانه با پدر او رفتار کرده بود. او آن روز این خاطره را به یاد می‌آورد و نمی‌خواست با وکلا روبرو شود. بنابراین جان به جای مشورت با یک فرد متخصص درباره چگونگی اداره کردن کسب و کار، اجازه داد یک حساب‌دار نهادی را از فهرست مذکور برای او انتخاب کند. نتیجه فاجعه‌بار بود.

حسابدار پاره‌وقت جانی می‌دانست تأسیس یک شرکت تنها نیاز به پر کردن اسناد خاصی دارد، اما نمی‌دانست آنها را چگونه مرتب کند. او می‌دانست یک شرکت نیاز به اظهارنامه‌های مالیاتی جداگانه دارد، اما

نمی‌دانست چگونه ورودی‌ها و خروجی‌ها را آماده کند. و بنابراین به جانی پیشنهاد داد از یک مالکیت منحصر به فرد استفاده کند، زیرا نحوه رسیدگی کردن به آن را می‌دانست و بنابراین همیشه به مشتریان این پیشنهاد را می‌داد. یک اندازه واحد برای همه.

مشکل اینجا بود که یک مالکیت منحصر به فرد هیچ محافظتی از سرمایه نمی‌کرد. جانی با راه‌اندازی مالکیت منحصر به فرد، مسئولیت نامحدودی در قبال بدهی‌ها، شکایات، و تعهدات کسب و کار به دست آورد. این مسئولیت نامحدود بدان معناست که خانه، پس‌انداز و سرمایه‌های شخصی او در برابر ادعای دیگران قرار می‌گرفت.

البته مانند تمام داستان‌های ترسناک، یک شیطان وارد کسب و کار جانی شد. او دمین<sup>۱</sup> را به عنوان کارمند استخدام کرد تا به حجم کار رو به رشد او کمک کند. دمین پسر نجیبی به نظر می‌رسید و کار لوله‌کشی را خوب می‌دانست. جانی هیچگونه زحمتی برای بررسی گذشته دمین به خود نداد. او در بازار کسب و کار تازه‌وارد بود و نمی‌دانست چه کارهایی لازم‌الاجرا هستند. دمین پس از یک هفته کاری به یکی از مشتریان جانی که در خانه تنها بود تجاوز کرد. بدون اینکه وارد جزئیات کثیف این داستان شویم، آن زن به دلیل اتفاقی که برای او در خانه‌اش افتاده بود و او و خانواده‌اش باید نقل مکان می‌کردند به سختی دچار آسیب روحی شد.

---

<sup>۱</sup>-Damien

در عرض ۳ هفته کسب و کار جانی مورد شکایت و پیگرد قانونی قرار گرفت. و به این دلیل که جانی مالک منحصر به فرد بود، خود او و نه شرکت، متهم شناخته شد و او باید از خود دفاع می‌کرد.

وکلاي آن زن گذشته دمین را بررسی کردند و فهمیدند دمین به تازگی از زندان آزاد شده بود. او قبلاً هم سابقه محکومیت به دلیل تجاوز را داشته است. جانی بیمه‌ای نداشت که این شکایت را پوشش دهد. شکایت ادامه پیدا کرد. وکلا برای هیئت منصفه استدلالی آوردند که کسب و کار جانی به طور غیرمسئولانه گذشته دمین را بررسی نکرده و مسئول عواقب آن می‌باشد. آنها اسناد درستی را به هیئت منصفه ارائه کردند - یک شرکت نیابتاً مسئول اعمال کارمندانش می‌باشد. هیئت منصفه از بررسی کامل پرونده به وحشت افتاد و خسارتی بالغ بر ۱۰ میلیون دلار تعیین نمود. جانی از بین رفت. او به عنوان مالک منحصر به فرد به طور کامل و شخصاً مسئول تمام شکایات مربوط به کسب و کار بود. وکیل مدافع او با دریافت یک‌سوم مبلغ ۱۰ میلیون دلار پرونده را حل و فصل کرد.

جانی خانه، پس‌انداز و خانواده‌اش را از دست داد. فشار این اتفاق منجر به طلاق همسرش، از دست دادن حضانت فرزندانش و ترک آنها شد. او اعلام ورشکستگی کرد و به عنوان یک مرد شکست‌خورده که توسط قانون و وکلا تحقیر شده بود، به کار خود خاتمه داد.

البته نکته طنزآمیز داستان آنجاست که جانی می‌توانست با مشورت با یک وکیل و استفاده از مزیت سیستم قانونی از عواقب فاجعه‌بار اعتماد

به یک حسابدار پاره‌وقت و یک اندیشه انتخاب نهاد یکسان برای تمام افراد جلوگیری کند.

یک وکیل لایق به جانی می‌گفت راه‌اندازی یک کسب و کار خطرات شناخته شده و ناشناخته‌ای دارد و باید برای محافظت از خود در برابر چنین مخاطره‌هایی، مسئولیت‌ها را با انتخاب یک شرکت یا نهاد خوب محدود کنید.

یک نهاد خوب آنست که سرمایه‌های شخصی شما را از مخاطره کسب و کار محافظت نماید. یک نهاد بد آنست که هیچگونه محافظتی فراهم نکند. جانی می‌توانست با انتخاب یک نهاد خوب از سیستم قانونی استفاده کند که فعالیت‌های کسب و کار را تشویق نماید و مسئولیت ریسک‌پذیران را محدود کند.

### سایر معایب مالکیت منحصر به فرد

با اینکه مسئولیت شخصی به اندازه کافی بد نیست، معایب متعدد دیگری در استفاده از مالکیت منحصر به فرد وجود دارد:

- **صاحبان:** در مالکیت منحصر به فرد تنها یک صاحب می‌تواند وجود داشته باشد. اگر بعدها بخواهید صاحبان دیگری وارد شرکت کنید، باید نوع نهاد کسب و کار را تغییر دهید.
- **فروش:** از آنجا که ارزش یک مالکیت شخصی بر اساس صاحب آن است نه کسب و کار، فروش آن خیلی سخت می‌باشد.

• **مرگ:** زمانی که یک مالک منحصر به فرد می‌میرد، مالکیت منحصر به فرد او خاتمه می‌یابد. جانشینان مالک منحصر به فرد تنها می‌توانند سرمایه‌ها را بفروشند و نه کسب و کار را.

• **مخاطره حسابرسی:** به دلیل اینکه مالکین منحصر به فرد منافع و ضررات کسب و کار را به IRS<sup>۱</sup> در برنامه C گزارش می‌دهند، مخاطره بالایی در حسابرسی IRS وجود دارد:

درآمد برنامه C پنج برابر بزرگتر از مالیات بر درآمد حسابرسی می‌شود.

مشارکت عمومی هم نهاد بدی است، در حقیقت ۲ برابر بدتر از مالکیت منحصر به فرد می‌باشد، زیرا مسئولیت شخصی شما دو برابر می‌شود: مسئولیت شخصی برای فعالیت‌های خود شما و مسئولیت در برابر فعالیت‌های شرکاء شما. این موضوع در مورد شماره ۲ مطرح خواهد شد.

هر گاه دو یا چند نفر توافق کنند که سود و ضررهای یک کسب و کار را تقسیم نمایند، مشارکت شکل گرفته است. حتی اگر هرگز توافق مشارکتی را امضاء نکنید، قانون دولتی می‌گوید شما تحت چنین شرایطی مشارکت عمومی تشکیل داده‌اید.

یک توافق مشارکت نوشته شده مورد نیاز قانون نیست. برای تشکیل مشارکت تنها دست دادن هم مورد قبول است. هر گاه سند رسمی را

<sup>۱</sup> - خدمات درآمد داخلی که خدمات درآمد دولت فدرال ایالات متحده است. این خدمات زیرمجموعه وزارت خزانه‌داری آمریکا است و تحت مدیریت مأمور عالی درآمد داخلی می‌باشد.

امضاء نکنید، قانون مشارکت دولتی برای شما قابل اجرا خواهد بود. از آنجا که چنین قاعده کلی به ندرت در شرایط خاصی مناسب می‌باشد، نمی‌تواند خیلی به نفع شما باشد. به عنوان مثال در بیشتر ایالات باید عواید و ضررها به طور مساوی بین شرکاء تقسیم شود. اگر درک شفاهی شما از مشارکت بر مبنای دریافت ۷۵ درصد از سود باشد، قانون ایالتی نمی‌تواند به شما کمک کند. در عوض قانون ایالتی به تقسیم سود ۵۰-۵۰ رأی می‌دهد که بر علیه آرزوهای شماست. بهتر است توافق نوشته‌شده‌ای آماده کنید که حقوق شما را مشخص نماید. اما در کل بهتر است در وهله اول از مشارکت عمومی استفاده ننمایید.

مشارکت عمومی، برخلاف مالکیت منحصر به فرد که در آن تنها یک نفر مشارکت دارد، باید شامل ۲ یا چند نفر باشد. نمی‌توانید مشارکت یک نفره داشته باشید. به عبارت دیگر در مشارکت عمومی تا اندازه ممکن شریک وجود دارد. در نگاه اول ممکن است یک نعمت به نظر آید، اما در اصل نفرین می‌باشد.

اشکال بزرگ مشارکت عمومی اینست که هر شریک مسئول بدهی‌ها و تعهدات ایجاد شده توسط سایر شرکای عمومی می‌باشد. در حالیکه ممکن است به شریک خود اعتماد کامل داشته باشید، نباید به طور نامناسب متعهد همکاری با شریکتان باشید. هر چه شرکای عمومی بیشتری وارد شرکت کنید، ممکن است مخاطره‌های بیشتری توسط افراد به وجود آید.

و به یاد داشته باشید مانند مالکیت منحصر به فرد، مشارکت عمومی هم سرمایه‌های شخصی شما را در معرض مخاطره قرار می‌دهد. خانه و



پس انداز زندگی شما می‌تواند به خاطر فعالیت‌های شرکای شما از بین بروند. حتی اگر در تصمیمات گرفته شده نقشی نداشته باشید، یا هنگامی که تصمیم‌گیری شده است، هزاران کیلومتر دورتر باشید و یا مخالفت خود را با آن اعلام کرده باشید، اگر تصمیم گرفته شده باشد، هنوز هم به عنوان شریک عمومی به طور مشخصی مسئول آن می‌باشید.

همین طور یک مشارکت عمومی می‌تواند خطرناک‌تر از مالکیت منحصر به فرد باشد. در یک مالکیت منحصر به فرد، تنها مالک می‌تواند کسب و کار را انجام دهد. در یک مشارکت عمومی، هر شریک عمومی - صرف‌نظر از اینکه تا چه حد عاقل یا نادان است - می‌تواند تعهد انجام کسب و کار را داشته باشد. در مقابل شرکت‌های مسئولیت محدود و مشارکت محدود محافظت بیشتری برای شما فراهم می‌کنند. تمام آنها مسئولیت‌های شخصی محدودی در برابر بدهی‌ها و فعالیت‌های کسب و کار دیگران به صاحبان اعطا می‌نمایند.

لازم به ذکر است به دلیل این مخاطره‌های نامحدود، شریک عمومی بودن در یک سرمایه‌گذاری که کنترل مدیریت روز به روزی در آن ندارید، نباید انتخاب شما باشد. اگر اطلاعات کاملی از فعالیت‌های شرکت ندارید، نباید آینده خود را در گرو یک شراکت عمومی قرار دهید.

## مورد شماره ۲: لوییز

لوییز تمام عمرش را برای شخصی کار کرده بود. او به مدت ۱۰ سال در بخش هدایای یک فروشگاه بزرگ مشغول به کار بود. مدیر آن قسمت اصرار داشت او کارهایی را انجام دهد، در حالی که لوییز



می‌دانست روش خود او فروش را بالاتر می‌برد. تمام اصرارهای مدیر سیاست‌های کوچک و جزئی بودند. او منتظر روزی بود که کسب و کار خود را به راه بیاندازد و تصمیم‌گیرنده اصلی باشد.

روزی ماکسین برای کار وارد همان بخش فروشگاه شد. هر دو آنها به سرعت در روش انجام امور هم‌عقیده شدند. ماکسین رفتار و نگرشی داشت که لویی را جذب کرده بود. آنها علایق مشترک داشتند و احساسشان از اینکه مشتری چه می‌خواهد مشابه بود. هر دو آنها در طلب رهایی از کار کردن برای شرکتی با مدیران کوتاه‌فکر بودند که ایده کارمندان برای پیشرفت شرکت را خفه می‌کردند. آنها خیلی زود شروع به صحبت کردن راجع به افتتاح فروشگاه هدیه خود کردند.

لویی توانسته بود برای تحقق بخشیدن به رؤیاهایش ۱۰ هزار دلار پس‌انداز کند. ماکسین پولی برای آغاز مشارکت نداشت اما لویی را متقاعد کرده بود به محض کسب ۵ هزار دلار سود آن را وارد شرکت کند.

لویی نمی‌دانست توافق ایجاد یک مشارکت با ماکسین بدون داشتن توافق‌نامه نوشته شده درباره تقسیم عواید به معنای آنست که میزان مشارکت آنها به طور خودکار ۵۰-۵۰ می‌شود. اگرچه لویی تمام پول خود را وارد شرکت کرد و ماکسین قول داد سودی که به دست می‌آورد را بعداً وارد دارایی شرکت کند، قانون به آنها می‌گفت هر دو صاحب ۵۰ درصد از شرکت جدید هستند، هدایای L & M. از هر ۱۰ کسب و کار که یک شریک کل پول شرکت را فراهم می‌کند، ۹ کسب و کار به مشکل برمی‌خورد. شرکت هدایای L & M هم از این قضیه مستثنی نبود.

ماکسین می‌خواست فروشگاه جو صمیمی داشته باشد. او تصمیم گرفت مغازه‌ای با نمای خوب در یک محله عالی اجاره کند و متعهد شود ۳ سال مغازه را با نرخ بیشتر از بازار اجاره نماید. او تصمیم گرفت مغازه را با سلیقه خوبی تزئین کند تا به فروشگاه‌هایی که رؤیاهایش را داشت دست یابد. سپس تعداد بسیار زیادی کالا برای انبار کردن در فروشگاه خریداری کرد.

فروشگاه هدایای L & M پیش از آنکه افتتاح شود، ۱۲ هزار دلار هزینه برداشته بود. آنها همچنین متعهد شده بودند تا سه سال آینده هر ماه ۱۵۰۰ دلار بابت اجازه پرداخت نمایند. لوییز از این معاملات بی‌خبر بود. به هر حال ماکسین به عنوان شریک عمومی می‌توانست بدون کسب اجازه از شریک دیگر برای کسب و کار تصمیم‌گیری نماید.

لوییز در نظر داشت افتتاح فروشگاه را با یک تبلیغ در روزنامه به عموم اعلام کند. به دلیل اینکه کسب و کار آنها جدید بود، روزنامه از آنها چک پیش‌پرداخت درخواست کرد. وقتی لوییز خواست چک را بنویسد، متوجه شد پولی در حساب نیست. ماکسین تمام ۱۰ هزار دلار پول لوییز و بیشتر از آن را صرف افتتاح فروشگاه کرده بود. لوییز با یک ماکسین جدید مواجه شده بود که نسبت به همه چیز بی‌اعتنایی می‌کرد. تمام پس‌انداز زندگی لوییز، رؤیاهایش برای کسب و کار و کنترل آینده‌اش ۱۰ هزار دلار بود که توسط ماکسین خرج شده بود.

ماکسین کارت اعتباری نداشت و از لوییز خواست کارت اعتباری تهیه کند تا بتواند از این مشکل بیرون آید. ماکسین به او می‌گفت اگر بتواند فروشگاه را افتتاح کند، می‌تواند در سود حاصل از فروش غرق شوند.

اینجا بود که لویییز فهمید تمام پول شراکت را او تهیه کرده است، تمام مخاطره‌ها متوجه اوست و ماکسین می‌تواند در سود حاصل از کسب و کار شریک شود.

لویییز از فهمیدن این حقیقت به لرزه افتاد اما خونسردی خود را حفظ کرد. او گفت نه کارت اعتباری و نه حتی امتیاز گرفتن آن را دارد. در آن لحظه ماکسین اعتراض کرد و گفت تمام ایده‌اش را برای سبک و تزئین فروشگاه به کار گرفته است. تنها کاری که لویییز انجام داده، تأمین منابع مالی بوده است. او از این موضوع خشمگین بود که با امتناع لویییز برای دادن پول بیشتر، تمام خلاقیتی که در فروشگاه L & M صرف کرده بود از بین می‌رود. او به شدت از واکنش شریکش ناراحت شد. تمام پس‌انداز زندگی‌اش را وارد شراکت کرد و ماکسین بدون اینکه به او بگوید، آن را بر باد داده بود. و اکنون از این خشمگین بود که چرا لویییز پول بیشتری خرج نمی‌کند.

همانطور که می‌توان انتظار داشت، همه چیز بین آن دو به سردی گرایید. ماکسین به محض اینکه دریافت دیگر پولی در کار نیست، با نامزد سابقش که هزاران مایل آن طرف‌تر زندگی می‌کرد تماس گرفت. در عرض ۴۸ ساعت از شهر خارج شد و دیگر هرگز کسی او را ندید.

لویییز با تمام بدهی‌ها و قبض‌ها تنها ماند. با اینکه لویییز هیچ دانشی از چنین شراکتی نداشت اما به عنوان شریک عمومی مسئولیت شخصی تمام اتفاقات با او بود. صاحب مغازه، واسطه قرارداد اجاره و کسی که کالاها را به ماکسین فروخته بود از لویییز شکایت کردند. با اینکه ماکسین هم به همان اندازه در برابر بدهی‌ها متعهد بود اما طلبکاران

زحمت پیدا کردن او را به خود ندادند. او پولی نداشت و آن طرف کشور بود. چرا باید کسی وقت و هزینه صرف تعقیب او کند؟ بار تمام بدهی‌های شراکت بر دوش لوییز افتاد.

### سایر معایب مشارکت عمومی

اگر این مخاطره‌ها و تعهد دو برابر را خیلی بد در نظر بگیریم، معایب دیگری در مشارکت عمومی وجود دارد:

- **فسخ:** زمانی که یک شریک می‌میرد، محل را ترک می‌کند یا اعلام ورشکستگی می‌نماید، مشارکت فسخ می‌شود. ممکن است اتفاقات غیرمنتظره شما را متعجب کند.

- **فروش:** بیشتر خریداران سطح بالا نمی‌خواهند با خطر بودن در یک مشارکت عمومی مواجه شوند. این موضوع توانایی شما برای فروش کالا در یک مشارکت عمومی را کم می‌کند.

- **مالیات خوداشتغالی:** ما راجع به مالیات‌های تأمین اجتماعی و سلامت در این کتاب صحبت خواهیم کرد. لطفاً در نظر داشته باشید شرکای عمومی (حتی آنها که کارمند شراکت در نظر گرفته نمی‌شوند) باید از محل درآمد شراکت، مالیات خوداشتغالی پرداخت کنند.

برخی نهادهای خوب که بعداً مطرح می‌شوند، این گونه مالیات‌ها را کاهش می‌دهند. لوییز با از دست دادن پس‌انداز و چشم‌اندازی از کسب و کار که نقش بر آب شده بود، برای کار به فروشگاه سابق بازگشت.

همانطور که مورد شماره ۲ مشخص کرد، شما در مشارکت عمومی دو برابر مالکیت منحصر به فرد در معرض خطر هستید. نه تنها شما بلکه

شریکتان هم می‌تواند سرمایه‌های شخصی شما را به خطر بیاندازد. تمام این مخاطره‌های ۲ برابر (یا سه برابر یا بسته به تعداد شرکاء چند برابر) روش خوبی برای انجام کسب و کار نیست. همانطور که دو مورد اول ما نشان دادند، در آغاز کسب و کار انتخاب نهاد صحیح بسیار اهمیت دارد. (و لطفاً به یاد داشته باشید تمام داستان‌های ما این قدر وحشتناک نیستند. تنها اکنون به نهادهای بد اشاره می‌کنیم).

### نصیحت پدر پولدار

- هر چه زمان بیشتری در یک مالکیت منحصر به فرد یا مشارکت عمومی کار کنید، مدت زمان بیشتری مسئول اتفاقات بدی که ممکن است در کسب و کارتان رخ دهد خواهید بود.
- اگر در حال حاضر به عنوان مالک منحصر به فرد یا شریک عمومی فعالیت می‌کنید، با یک متخصص ملاقات کنید یا به وبسایت [www.Corporatedirect.com](http://www.Corporatedirect.com) مراجعه نمایید. و نوع نهاد را تغییر دهید.
- اگر در نظر دارید کسب و کاری را آغاز کنید، با قدمی اشتباه و انتخاب نهاد نادرست خود را به درسر نیندازید.